

سندیکا و اتحادیه

دو سنگری که

کارگران ایران

از آن محروم مانده اند

مهدی کیهان

بخش پنجم- در پیروزی انقلاب 57، طبقه کارگرایان نقش تاریخی و سر نوشت سازی داشت. این طبقه نه فقط نقش مهمی را در تکوین و تدارک این انقلاب انجام داد، بلکه در مرحل نهایی ایفای نقش نیروی ضربتی انقلاب را به عهده گرفت. دست های توانای کارگران با اعتصابات عظیم سیاسی در تلفیق با تظاهرات میلیونی گلوی رژیم شاه را تا سرحد مرگ فشرد و ایران را از تسلط خاندان پهلوی نجات داد. این نقش تاریخی در حالی ایفا شد که طبقه کارگر ایران به علت تضییق و ترور 25 ساله از تشکل خود در سازمان های واقعی و اصیل صنفی و از فعالیت علنی حزب سیاسی خود محروم بود. اگر کارگران ایران از امکان تشکل صنفی و سیاسی به طور قانونی و علنی برخوردار بودند، قطعاً نقش عظیم تری را در جریان انقلاب ایفا می کردند و تضمین بیشتری برای پیروزی نهایی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی فراهم می آوردند.

پس از پیروزی مرحله اول انقلاب، چنین شرایطی از کارگران طلب می کند هرچه سریع تر تشکل صنفی و سیاسی خود را از قوه به فعل در آورند، نیروی تشکل یافته صنفی- سیاسی خود را وثیقه حفظ انقلاب قرار دهند و ایفای نقش عظیم تاریخی خود را در پاسداری از استقلال و آزادی بدست آمده و تثبیت و تعمیق آن به کارگیرند. انجام چنین وظایف تاریخ، از طبقه کارگرایان طلب می کند که در مرحله کنونی هر چه سریع تر در سازمان های صنفی **(سندیکاها و اتحادیه ها)** تشکل یابد، اتحادیه های افقی و عمودی خود را از راه متشکل ساختن میلیون ها کارگر شاغل در کارخانه ها و کارگاه ها ایجاد نماید. بیش از پنج میلیون کارگر ایران باید هر چه سریع تر به تشکل صنفی نایل آیند و قدرت چنین تشکلی را پشتوانه دفاع از دست آوردهای انقلاب، پیروزی کامل و نهایی بر امپریالیسم و ضد انقلاب و ارتجاع داخلی و تعمیق انقلاب به سود هدف های خلقی قرار دهند.

در بررسی مراحل قبلی رشد و تکامل جنبش سندیکایی در ایران دیدیم که پس از هر یک از دوران های خفقان، جنبش سندیکایی ایران با نیرو و استواری به مراتب بیشتری احیاء شده و عرض اندام نموده است. آنچه در مورد مراحل قبلی جنبش سندیکایی به آن اشاره کردیم، در مورد مرحله کنونی پس از اختناق طولانی محمد رضا شاهی نیز نه فقط صادق است، بلکه به علل زیر این جنبش امکان توسعه و بسط به مراتب بیشتری نسبت به مراحل قبلی دارد:

1- پیروزی انقلاب ایران که زمینه بسیار مساعدی را که هیچ گاه در گذشته وجود نداشته برای جنبش سندیکایی و اتحاد و تشکل صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان کشور بوجود آورده است. اگر جنبش سندیکایی ایران توانست در مراحل قبلی رشد و توسعه خود، در گذشته گام های بزرگی در جهت تشکل کارگران و زحمتکشان بردارد، طبیعی است که اکنون پس از انقلاب که راه تحولات و دگرگونی های بنیادی را در برابر جامعه ایران گشوده، جنبش سندیکایی مسلماً قادر خواهد بود گام های به مراتب عظیم تری در جهت تشکل صنفی و سیاسی زحمتکشان ایران بردارد.

2 - تغییراتی که طی ربع قرن گذشته در اقتصاد ایران انجام گرفته، طبقه کارگر را به صورت یکی از کثیرالعدده ترین طبقات جامعه در آورده است و برای بسط و توسعه جنبش سندیکایی در مقیاسی به مراتب عظیم تر از گذشته شرایط مناسبی فراهم کرده است.

3- عامل مساعد دیگری که می تواند در پیشرفت سریع جنبش سندیکایی اثر بگذارد، تجارب غنی و مهمی است که اکنون جنبش هفتاد ساله سندیکایی ایران از آن برخوردار است. این تجارب غنی در جنبش سندیکایی و در فعالیت حزب سیاسی کارگر ایران، حزب توده ایران، همچون چراغ راهنمای پرنوری می تواند و باید بر راه تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران پرتو افکند. در پرتو این نور، یقیناً جنبش سندیکایی ایران در مرحله کنونی خواهد توانست راه گسترش و توسعه را با سهولت و سرعت بیشتری نسبت به گذشته ببیماید.

از آنچه بدان اشاره شد، دیده می شود که در مرحله کنونی امکان بسط و گسترش جنبش سندیکایی ایران بر مبنای عینی مستحکمی استوار است و به همین جهت نتایجی که از تشکل صنفی و سیاسی کارگران به دست خواهد آمد به مراتب چشم گیرتر و قابل توجه تر از دوران های قبلی جنبش کارگری خواهد بود. اما صحبت از امکان بسط و گسترش جنبش سندیکایی در مرحله کنونی و این امر که تشکل میلیونی کارگران در سندیکاها و اتحادیه ها ضرورتی بر خاسته از خواست های سیاسی- اقتصادی، رفاهی، اجتماعی طبقه کارگر و انقلاب ایران است، به آن معنی نیست که چنین گسترشی **به خودی خود** صورت خواهد گرفت. به هیچ وجه! بسط و گسترش جنبش سندیکایی هر اندازه هم شرایط عینی مساعدی برای آن وجود داشته باشد، در آخرین تحلیل فقط و فقط می تواند بر اثر فعالیت آگاهانه خود طبقه کارگر، حزب سیاسی آن، از قوه به فعل درآید. اینجاست که نقش **سازمان دهی آگاهانه جنبش سندیکایی** بیش از پیش کسب اهمیت می کند.

تشکل صنفی کارگران ایران از چند جهت دارای ضرورت مبرم است.

اول، از نظرتامین خواست های صنفی و رفاهی کارگران است، که تشکیل هر چه سریع تر آنان را در سندیکاها و اتحادیه ها ضروری سازد. طی ربع قرن تسلط پهلوی و امپریالیسم آمریکا، طبقه کارگر را در محرومیت های شدید اقتصادی و رفاهی نگاه داشته، آنان را به بدترین شیوه ها در معرض استثمار و زیر ظلم قرار داده اند. هنوز اجرای قانون 8 ساعت کار در ایران عمومیت نیافته است. قشر وسیعی از زحمتکش ترین کارگران، بویژه زنان و اطفال، در کارگاه های کوچک روزانه تا 14 ساعت و بیشتر کار می کنند، حتی از کارگران ایران در کاخانه های بزرگ نیز تحت عنوان اضافه کاری روزانه از 12 الی 14 ساعت کار کشیده می شود. قانون کار اصولاً شامل کارگران ساختمان و کشاورزی نمی شود.

سطح دستمزدها نازل است و به هیچ وجه تکافی هزینه کمرشکن زندگی را نمی کند. مقررات قانون دستمزد مساوی در برابر کار مساوی به اجرا در نیامده و از صدها هزار زن و کودک با دستمزد هایی کمتر از نصف دستمزد کارگران مرد در کارگاه های کشور کار کشیده می شود.

شرایط کار در کارخانه و کارگاه ها غیر بهداشتی است. وضع مسکن و دیگر مسائل رفاهی طبقه کارگر ایران حتی از نظر اجرای قوانین عقب مانده کار و بیمه های اجتماعی رژیم گذشته قابل تحمل نیست، تا چه رسد از نظر قوانین مترقی که کارگران پس از انقلاب انتظار تصویب آن را دارند.

باقی ماندن طبقه کارگر ایران در چنین شرایط سخت و ناگوار کار و زندگی نتیجه مستقیم محرومیت آنان از آزادی فعالیت سندیکایی و اتحادیه ای بوده است. اگر حق کارگران در برخورداری از فعالیت آزاد سندیکایی پایمال شد و کارگران قادر به تشکیل و استفاده از سلاح های موثر مبارزه نظیر اعتصاب و تظاهر بودند، محقق وضع زندگی و شرایط کار آنان بهتر از امروز بود. کاملاً طبیعی است که اولین کاری که کارگران باید انجام دهند، تشکل در

سازمان های صنفی (سندیکا ها و اتحادیه ها) است. تا از این راه بتوانند قدرت متحد و متشکل خود را وثیقه بهبود شرایط کار و زندگی و تامین خواست های صنفی و رفاهی خویش قرار دهند.

جهت دومی که تشکل صنفی طبقه کارگر را در مرحله فعلی ضرور می سازد، نیازمبرم طبقه کارگر به تامین خواست های دموکراتیک عام، یعنی تامین آزادی فعالیت انجمن ها، احزاب و دیگر آزادی های دموکراتیک (آزادی قلم، بیان، اجتماعات و نظایر آن) می باشد. این حقوق خوشبختانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای همه طبقات و اقشار مردم، از جمله کارگران به رسمیت شناخته شده است. ولی تا زمانی که نیروی متشکل توده های وسیع اجرای پی گیر حقوق را خواستار نباشد، امکان دارد که تمام این اصول روی کاغذ باقی بماند.

طبقه کارگر ایران نظر به موقعیت و مسئولیت تاریخی خویش در صف مقدم کلیه طبقات و قشرهایی قرار دارد، که باید حافظ و پشتیبان اصول دموکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی باشند. کارگران وظایف خود را در قبال دفاع از آزادی های دموکراتیک وقتی می توانند به خوبی انجام دهند که متشکل باشند و بتوانند قدرت تشکل صنفی، سیاسی خویش را ضامن اجرای خواست های خود و همه جامعه قرار دهند.

تشکل صنفی و سیاسی کارگران هم چنین از نظرتامین خواست های سیاسی طبقاتی کارگران در مرحله کنونی ضرورت دارد. طبقه کارگر ایران مانند سایر زحمتکشان، سال های سال از فعالیت آزاد و علنی سیاسی و شرکت موثر در تعیین سرنوشت کشور به دور نگاه داشته شده است. این طبقه اکنون نظر به موقعیتی که در جامعه دارد و از آنجا که یکی از کثیرالعدده ترین طبقات جامعه ایران را تشکیل می دهد حق دارد حزب سیاسی خود را داشته باشد. در تعیین سرنوشت سیاسی کشور شرکت نماید، در ارگان های تصمیم گیری شرکت کند، از راه شوراها بر کار تولید و اداره امور نظارت و کنترل داشته باشد. نیل به این خواست ها میسر نیست، مگر آن که طبقه کارگر ایران به عنوان طبقه ای سر نوشت ساز در جامعه ایران به رسمیت شناخته شود. تحقق این خواست ها محتاج آن است که قبل از همه کارگران بدون قید و شرط از حق تشکل صنفی و سیاسی برخوردار باشند.

بالاخره، مهم ترین عاملی که در مرحله کنونی، تشکل صنفی و سیاسی کارگران را ضروری سازد، مسئله تثبیت دست آوردهای انقلاب ضدامپریالیستی و نیل به هدف های انقلاب است. نه تثبیت دست آوردهای انقلاب و نه تعمیق آن، بدون آن که انقلاب از پشتیبانی و حمایت متشکل طبقه کارگر برخوردار باشد، ممکن و میسر نیست. در عین حال تثبیت انقلاب و تضمین آن در برابر توطئه های پی در پی ارتجاع و امپریالیسم محتاج آن است که کلیه طبقات و قشرهایی که در پیروزی نهایی انقلاب ذی نفع هستند و احزاب و سازمان های نماینده این طبقات و قشرها نیروهای خود را در جبهه متحد خلق، برپایه برنامه مشترک متمرکز سازند. ادامه پراکندگی طبقات و قشرهای ذی نفع در پیروزی انقلاب و سازمان های بیانگر منافع آن ها بزرگ ترین فرصت را برای ضربه زدن به انقلاب در اختیار ارتجاع و امپریالیسم قرار می دهد. طبقه کارگر نظر به موقعیتی که در جامعه دارد مسئولیت بزرگی را در قبال حفظ و تثبیت و پیشبرد انقلاب به عهده دارد.